

## The Role of Ministers in the Ups and Downs of the Egyptian Fatimid Government

Abbas Shir Mohammadi<sup>1</sup>, Mahdi Goljan<sup>2</sup>, Fereshteh Sadat Etefaghfar<sup>3</sup>

(Received on: 2021-08-15; Accepted on: 2022-07-12)

### Abstract

The Fatimids were politically, religiously, and culturally one of the most important and powerful states in the Islamic world, especially in Shiism, which reached the peak of power by employing capable ministers. They did a lot of services in the field of expanding Ismaili Shia culture and religious rituals. However, they declined due to the poor performance of the ministers, including power-seeking, divisive actions, and turning away from religion. Using the descriptive and analytical method, this article first explains the origin of the ministry position in the structure of the Fatimid government and discusses the function of the Fatimid ministers. Then it introduces two types of ministries of enforcement and delegation in the Fatimid government. Next, the paper deals with the change in the organizational structure of the government, the seizure of power by the ministers, and its gradual transfer from the Fatimid caliphs to the ministers. After that, it explains the different roles of the ministers in stabilizing the Fatimid state, expanding their territory, organizing the administrative structure of their organizations, stabilizing and strengthening Ismailism, and bringing the Fatimid government to the peak of power and influence. Finally, their role in the collapse of this powerful government is revealed by explaining the factors of the decline of the government, such as the power struggle between the ministers, mismanagement against the local rebellions of internal tribes and foreign conflicts, politicization and the ministers' lack of adherence to the Ismailism.

**Keywords:** Fatimids, Ismaili Organizations, Ismailis of Egypt, Fatimid Ministers, Salah al-Din Ayubi, Badr al-Jamali.

---

1. Ph.D student, Department of History, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, shirmohamadi.abbas@gmail.com.

2. Assistant Professor, Department of History, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author's), goljan@iausr.ac.ir.

3. Assistant Professor, Department of History, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, etefaghfar@iausr.ac.ir.

## نقش وزرا در فراز و فرود حکومت فاطمیان مصر

عباس شیرمحمدی<sup>۱</sup>

مهدی گلجان<sup>۲</sup>

فرشته سادات اتفاق فر<sup>۳</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱]

### چکیده

فاطمیان از دولت‌های مهم و قدرتمند سیاسی، مذهبی و فرهنگی جهان اسلام، به‌ویژه مذهب تشیع، بودند که با به‌کارگیری وزرایی توانمند به اوج قدرت رسیدند. خدمات فراوانی در حوزه گسترش فرهنگ و شعائر دینی تشیع اسماعیلی انجام دادند؛ سپس بر اثر عملکرد ضعیف وزرا، از جمله قدرت طلبی، اقدامات تفرقه افکنانه و پشت‌کردن به مذهب رو به افول رفتند. این نوشتار بر پایه روش توصیفی تحلیلی، نخست خاستگاه پیدایش جایگاه وزارت در ساختار دولت فاطمی را بیان می‌کند و از کارکرد وزرای فاطمیان می‌گوید. سپس دو گونه وزارت تنفیذ و تفویض در حکومت فاطمیان را می‌شناساند و از تغییر ساختار تشکیلاتی حکومت و ورود وزرا به صحنه قدرت و انتقال تدریجی قدرت از خلفای فاطمی به وزرا سخن به میان می‌آورد. نقش وزرا در تثبیت دولت فاطمیان و گسترش قلمروشان و سامان دهی به ساختار اداری تشکیلاتشان و تثبیت و تقویت مذهب اسماعیلیه و رساندن حکومت فاطمیان به اوج قدرت و نفوذ را بیان می‌کند و با تبیین عوامل افول این دولت قدرتمند، همچون جنگ قدرت وزرا، سوء تدبیر در برابر شورش‌های محلی قبایل داخلی و منازعات خارجی، سیاست‌زدگی و تقید نداشتن وزرا به مذهب اسماعیلی، از نقش آنان در این فروپاشی پرده برمی‌دارد.

**کلیدواژه‌ها:** فاطمیان، تشکیلات اسماعیلیه، اسماعیلیان مصر، وزرای فاطمیان، صلاح‌الدین ایوبی، بدرالجمالی.

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Shirmohamadi.abbas@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

goljan@iausr.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، etefaghfar@iausr.ac.ir

## مقدمه

حکومت فاطمیان را عبدالله بن حسین، معروف به عبیدالله مهدی (متوفای ۳۲۲ ه.ق.)، در سال ۲۹۷ ه.ق. در شمال آفریقا تأسیس کرد و تا سال ۳۶۲ ه.ق. ادامه داشت. سپس ابونعمیم معد، ملقب به المعز لدین الله (متوفای ۳۶۵ ه.ق.) آن را به مصر منتقل کرد (چلونگر، ۱۳۹۵: ۳۹۱-۳۹۸). حکومت شیعی فاطمیان پس از انتقال به مصر، فراز و فرودهای بسیار تجربه کرد. این نوشتار در صدد بررسی نقش وزیر در رخداد این فراز و فرودها است. دولت فاطمیان به دلیل اهمیتی که در تاریخ سیاسی، مذهبی و فرهنگی حکومت اسلامی، به ویژه جهان تشیع، دارد موضوع پژوهش‌های بسیار قرار گرفته است؛ از باب نمونه جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلام به مقام وزارت و گونه‌های آن در ممالک اسلامی اشاره دارد و فاطمه جان احمدی در کتاب ساختار دینی فاطمیان در مصر به نهاد وزارت و وزرای فاطمی می‌پردازد. منابع عربی همچون کتاب تاریخ الدولة الفاطمیه اثر محمد جمال الدین سرور به عصر نفوذ وزیر در دوره دوم خلافت فاطمیان در مصر و کتاب الوزارة والوزراء فی عصر الفاطمی اثر محمد حمدی مناوی به نهاد وزارت و وزرای معروف فاطمی اشاره می‌کند؛ ولی درباره نقش وزرای این حکومت شیعی در تحکیم و اقتدار دولت فاطمیان تحقیق و پژوهش مستقلی انجام نشده است. این پژوهش نخست از خاستگاه پیدایش جایگاه وزارت در دولت فاطمی و کارکرد وزرا می‌نویسد؛ سپس گونه‌های وزارت را می‌نماید و با نقش وزرا در فراز و فرود حکومت فاطمی نوشته را به پایان می‌رساند.

## ۱. خاستگاه وزارت در دولت فاطمی

خلفای فاطمی در دوران حضور در مغرب، تشکیلات سیاسی اداری ساده‌ای داشتند؛ یعنی خلیفه در رأس حکومت و فرمانده سپاه بود و منصب وزارت وجود نداشت (لوئیس و دیگران، ۱۳۶۳: ۱۸۲). سادگی امور اجرایی سبب شده بود فقط به چند دیوان برای رسیدگی

به امور اداری، مالی و نظامی بسنده شود و سادگی امور در پناه اقتدار خلیفه، امام فاطمی را از مقام وزارت بی‌نیاز کند (قاضی نعمان، ۱۴۱۶: ۱۷۸). در نهایت، خلیفه در امور مهم، به‌ویژه در مسائل نظامی، با شماری از افراد سزاوار اعتماد مشورت می‌کرد (معزی، ۱۳۹۰: ۱۶۲). ولی پس از انتقال مرکز خلافت از افریقیه به مصر و گسترش قلمرو حکومت فاطمی با فتح نواحی گوناگون، فاطمیان با بهره‌گیری از نظام اداری مالی عباسیان و تأثیرپذیری از آداب جوامع شرقی، به‌ویژه ایرانیان، نهادهای سیاسی، اداری و مالی پیچیده‌ای، از جمله نهاد وزارت، را پایه‌گذاری کردند (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۵۸).

در دوره خلافت القائم بامر الله، دومین خلیفه فاطمی (۳۲۲-۳۳۴ ه.ق.) چند تن از بزرگان دولت فاطمی به تدریج برخی از وظایف وزرا را بر عهده داشتند؛ ولی منصب وزارت عملاً در دوران خلافت المعز لدین الله، چهارمین خلیفه فاطمی (۳۴۱-۳۶۵ ه.ق.) و العزیز بالله، پنجمین خلیفه فاطمی (۳۶۵-۳۸۶ ه.ق.) شکل گرفت (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۴۵). غالب وزرای این دوره بر اساس فضایل، استعدادها و شرایط لازم، بدون هیچ توجهی به وابستگی دینی، قومی و نژادی انتخاب می‌شدند. از این رو برخی از مسیحیان توانستند در دولت فاطمیان به مقام وزارت برسند (دفتری، ۱۳۷۸: ۹۱-۹۲). برخی از آنان «وزیر» و بعضی دیگر «وساطه» (منصبی شبیه به وزارت) نامیده شدند و امور وزارت را در اختیار گرفتند. برخی از یهودیان نیز برای دست‌یابی به منصب وزارت و مناصب مهم دیوانی و اداری، اغلب آیین اسلام را انتخاب کردند (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

## ۲. کارکرد وزرا

نهاد وزارت، پس از تأسیس از ارکان مهم ساختار سیاسی حکومت فاطمیان محسوب شد و محل توجه قرار گرفت. عهده‌داران این نهاد، از بالاترین مقام‌های دولتی به شمار می‌آمدند

و جایگاه ویژه‌ای میان دیوان سالاران داشتند و بالاترین قدرت پس از خلیفه در اختیارشان بود؛ آن گونه که ایشان مدیریت دارایی و امور کشور را بر عهده داشتند و می‌بایست میان درآمدها و هزینه‌های کشور به هنگام بودجه‌بندی تعادل برقرار ساخته، بر امور مملکت نظارت می‌کردند (ابن الصیرفی، ۱۴۲۹: ۲۲-۲۳). دیوانیان و در رأس آنان وزیر، موظف بودند اوامر خلیفه را اجرا، و به امور دیوان رسیدگی کنند. همچنین، می‌بایست بر لشکر و امور مالی و اداری نظارت می‌کردند (مناوی، ۱۱۱۹: ۴۰-۴۱).

### ۳. گونه‌شناسی وزرای فاطمی

وزارت دولت فاطمیان در مصر به دو گونه تنفیذ و تفویض تأسیس شده بود:

#### ۱.۳. وزارت تنفیذ

نیمه نخست حکومت فاطمیان، دوره وزارت وزرای صاحب‌قلم بود که در محدوده امور دیوانی قدرت داشتند و به دستور خلیفه منصوب و مخلوع می‌شدند. ایشان در کارهایشان استقلال ذاتی و استقلال رأی نداشتند (حلبی، ۱۳۹۰: ۶۱) و بنا به فرمان خلیفه عمل می‌کردند. در حقیقت، وزارت نوعی شغل درباری، مجری فرمان‌های خلیفه (مناوی، ۱۱۱۹: ۳۵) و واسطه‌ای میان خلیفه و مردم بود (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۴۶). این دوره که «وزارت تنفیذ» خوانده می‌شود، در حدود نیمه قرن پنجم قمری به پایان رسید. برخی وزیران تنفیذ، از اهل ذمه بودند و بسیاری از وزیران مسلمان، مذهبی غیر از گرایش مذهبی دولت فاطمیان داشتند (ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۱۲۶). این دوره از وزارت با ابن‌کلس، وزیر العزیز بالله (متوفای ۳۷۳ ه.ق.) در سال ۳۶۷ ه.ق. آغاز شد و با حسن بن علی یازوری، وزیر المستنصر بالله (متوفای ۴۵۰ ه.ق.) در سال ۴۴۲ ه.ق. به پایان رسید (معزی، ۱۳۹۰: ۶۳).

### ۲.۳. وزارت تفویض

وزیران فاطمی دوره تفویض، قدرت مطلق داشتند و بر سپاهیان کاملاً مسلط بودند. از این رو آنها را «اصحاب السیف» نیز می‌خواندند. آنان علاوه بر نظارت بر دیوان‌ها، در تعیین رؤسای دیوان‌ها هم صاحب نظر بودند و قاضیان و داعیان نیابتشان را بر عهده داشتند (ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۱۲۶). وزرای این دوره از حکومت فاطمیان کسانی بودند که به دستور خلیفه و با رأی او یا بر اثر اجبار منصوب می‌شدند؛ ولی عزلشان از عهده وی خارج بود. بنابراین، وزارت وزرای تفویض تا هنگام مرگشان ادامه داشت. آنها در مسئولیت نامحدودشان، علاوه بر امور دیوانی و مالی، بر نظام قضایی و دستگاه دعوت فاطمیان نیز ریاست می‌کردند (معزی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). ارتقای جایگاه وزارت در خلافت فاطمیان، سبب شد تقسیمات گوناگونی در نظام سیاسی حکومتشان شکل بگیرد (مناوی، ۱۱۱۹: ۳۵). حکومت واقعی در این دوره در دست وزرای قدرتمندی بود که به پشتوانه قومی‌شان با هم رقابت می‌کردند و هر کدام از جهت نظامی قوی‌تر بود، دیگران را از صحنه بیرون می‌کرد.

وزرای نظامی از اوایل خلافت المستنصر بالله، هشتمین خلیفه فاطمی (۴۲۷-۴۸۷ ه.ق.) قدرت گرفتند؛ وقتی اوضاع مصر آشفته و نابسامان بود و بیشتر قسمت‌های مصر، در دست راهزنان و قبایل عرب نیمه مستقل محلی قرار داشت المستنصر برای سامان دادن به این اوضاع، از بدر الجمالی، وزیر المستنصر بالله (متوفای ۴۸۸ ه.ق.) کمک گرفت که دو مرتبه در دهه قبل، در شام و فلسطین، به حکومت دمشق رسیده بود. بدر الجمالی همراه لشکری به مصر وارد شد و افراد حکومت قبلی را بی‌رحمانه از میان برداشت.

قدرت وزرا در این دوره به اندازه‌ای افزایش یافت که آنان از طریق ازدواج با خاندان خلیفه می‌خواستند خلافت و حکومت را در خاندانشان نگه دارند؛ مثلاً افضل بن بدر الجمالی، خواهرش را به همسری خلیفه دوران، المستعلی بالله (متوفای ۴۹۵ ه.ق.) درآورد. حال

آنکه به مذهب اسماعیلی پای بندی نداشتند و گام‌هایی در جهت تضعیف این مذهب برداشتند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲/۲۴۶). در برابر افزایش قدرت وزرا، نقش خلفای فاطمی در این دوران کاهش چشمگیری داشت و خلفا به تدریج زیر سلطه نفوذ وزرا قرار گرفتند تا جایی که وزارت از طریق وراثت میان افراد جابه‌جا می‌شد (مناوی، ۱۱۱۹: ۳۶) و وزرای نظامی، اربابان واقعی مملکت فاطمیان بودند.

حافظ در میان خلفای متأخر، تنها خلیفه‌ای بود که هنگام رسیدن به خلافت، مردی بزرگسال بود و به فعالیت‌های وزرایش توجه خاصی داشت (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۰۷-۲۰۸). پس از او، بار دیگر درگیری وزرای نظامی با رقبایشان آغاز شد و برای دست‌یابی به وزارت، در پی جلب حمایت جناح‌های مختلف ارتش بودند. مورخان از عصر دوم خلفای فاطمی با نام عصر وزرای بلندمرتبه یاد کرده‌اند. این رقابت‌ها سبب رقابت‌های نظامی و بروزی نظامی دائمی در مصر شد که زمینه سقوط خلافت فاطمیان را فراهم آورد. این دوره از وزارت از دوره بدر الجمالی در سال ۴۶۶ ه. ق. آغاز شد و تا پایان حکومت فاطمیان ادامه داشت. وزرا در این دوره، همچون ائمه فاطمی، برای خود القابی تعیین می‌کردند (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

#### ۴. نقش وزرا در دولت فاطمیان

وزرا در دولت فاطمیان نقش بسیار داشتند که گاه سبب اقتدار حکومت می‌شد و زمانی سبب تزلزل. در این بخش نقش آنان در این حکومت بررسی می‌شود:

##### ۱.۴. نقش وزرا در تحکیم دولت

سلسله فاطمیان، وزرای مقتدیری به خود دید که اسباب تحکیم دولت را فراهم آوردند. این قسمت برخی از این وزرا را معرفی، و بخشی از اثرگذاری‌شان بر تحکیم حکومت فاطمیان را بیان می‌کند:

## جوهر صقلی

جوهر صقلی (۳۱۶-۳۸۱ ه.ق.) از وزرای مقتدر فاطمی در سال‌های ۳۴۵ تا ۳۶۷ ه.ق. است که نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در تصرف مصر و برقراری اقتدار فاطمیان ایفا کرد. وی در خانواده‌ای مسلمان در سیسیل (صقلیه) به دنیا آمد (الصنهاجی، ۱۳۷۸: ۶۵). برخی نیز او را مغربی و ارمنی می‌دانند، ولی بیشتر مورخان او را رومی الاصل دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۵۹۰/۸). خدمات فراوان او برای فاطمیان، از جمله اثرگذاری در بنیان‌گذاری حکومت فاطمی در مصر و شمال آفریقا سبب شد به مقامات و مراتب بالایی در این حکومت برسد (کراچگوفسکی، ۱۳۷۹: ۱۵۵). از جمله این مقامات، وزارت او در مغرب در دوران المعز بود (همان: ۵۲۴/۸) که به عنوان نخستین وزیر فاطمی به دست آورد (مناوی، ۱۱۱۹: ۳۴).

المعز سپاهی مجهز به فرماندهی ابوالحسن جوهر، مأمور تصرف شهر تاهرت کرد که در دوم جمادی الاول ۳۴۷ ه.ق. به تاهرت رسید و بعد از تصرف تاهرت، ساجلماسه و همه شهرهای اطرافش را تصرف کرد (زیدان، ۱۳۸۹: ۸۱۱/۳). پس از فتوحات جوهر، المعز لقب «القائد» به او داد. وی در ۳۵۸ ه.ق. از قیروان حرکت کرد و مصر را به تصرف خود درآورد. شهر قاهره را ساخت (حافظ ایرو، ۱۳۷۵: ۲۹۷/۱) و آن را «منصوریه» نامید و در آن، کاخ‌ها و مسجدهای بسیار بنا کرد (ابن خلدون، ۱۳۵۷: ۷۲/۳). وی در جمعه، بیستم شعبان ۳۵۸ ه.ق. در مسجد عتیق به نام «المعز» خطبه خواند (الصنهاجی، ۱۳۷۸: ۶۳) و برخی از رجال و اعیان دولت اخشیدی<sup>۱</sup> را که در مصر باقی مانده بودند، با هدایایی نزد المعز فرستاد (ابن خلدون، ۱۳۵۷: ۷۲/۳). او در روز دوم جمادی الاول ۳۵۹ ه.ق. به مسجد طولون رفت و در خطبه‌های نماز جمعه نام عباسیان را از خطبه انداخت (صنهاجی، ۱۳۷۸: ۷۰).

جوهر صقلی با سیاست و نرمش با مصریان روبه‌رو شد. عفو عمومی صادر کرد و در ملأ عام مردم را بر جان و مالشان ایمن کرد (قره‌چانلو، ۱۳۸۰: ۱۴۰/۲). او در حرکتی سیاسی،



امان نامه‌ای را در جمع بزرگان و نمایندگان برجسته مصر امضا، و علل فتح مصر و اهداف دولت جدید را در آن بیان کرد، از جمله: «ایمن نگه داشتن راه‌ها برای زائران، از سر گرفتن جهاد علیه بیزانسی‌ها، اصلاح مسکوکات، لغو مالیات‌های غیرقانونی» (واکر، ۱۳۸۳: ۴۴-۴۵). جوهر، آزادی‌های دینی را محترم شمرد و شیوه‌های شیعی عبادت را ترویج کرد. از پوشیدن لباس سیاه و خواندن خطبه به نام بنی عباس جلوگیری کرد و دستور داد جامه سفید بپوشند. او به مؤذن‌ها دستور داد اذان را به شیوه شیعیان و همراه فقره «حی علی خیر العمل» بگویند (همدانی، ۱۳۸۱: ۳۰).

او از مغرب کمک مالی گرفت و انبارهای غله را گشود و در میان مردم نیازمند پخش کرد. با این شیوه و اقدامات اصلاحی، امور را منظم کرد و توانست از گرانی، قحطی و هلاکت مردم جلوگیری کند (تأمر، ۱۳۷۷: ۱۵۱-۱۵۲). او بیشتر رجال اداری و قضایی دولت پیشین را بر سر کار نگه داشت و یک بربر کتامی را به عنوان ناظر در کنار دست هر مأمور دولتی قرار داد و از افراد قبایل بربر برای محافظت از قصرهای خلفا استفاده کرد (رشاد، ۱۳۷۳: ۱۶۲). این عملکرد او، انتقال سریع‌تر حکومت به دولت فاطمیان و احیای اقتصاد کشور را آسان‌تر کرد (سید، ۲۰۰۷: ۱۴۳).

جوهر صقلی چهار سال در مصر به عنوان «نایب الحکومة» حکومت کرد؛ به هرج و مرج‌ها پایان داد و پس از برقراری امنیت، از المعز برای انتقال خلافت به مصر دعوت کرد. خلیفه فاطمی در هشتم رمضان ۳۶۲ ه. ق. به مصر رفت و آنجا را مقرر خلافتش قرار داد (حسن، ۱۹۳۲: ۵۰۲/۳). جوهر همه مقام‌هایش، جز فرماندهی کل، را به خلیفه واگذار کرد و تا سال ۳۶۷ ه. ق. امور فاطمیان را اداره می‌کرد. در این سال المعز اداره امور و وزارت را به ابن کلس واگذار کرد و جوهر تا پایان عمر فقط فرماندهی کل را بر عهده داشت و در سال ۳۸۱ ه. ق. از دنیا رفت (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۲/۴۵۵).

## یعقوب بن کلس

یعقوب بن کلس (۲۵۶-۳۷۳ ه.ق.) دومین وزیر و نخستین وزیر رسمی فاطمیان در سال‌های ۳۶۷ تا ۳۷۳ ه.ق. بود که در تشکیلاتی شدن دولت فاطمیان و تثبیت و تقویت مذهب شیعه در میان مردم نقش بسیار داشت. او در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد (تأمر، ۱۹۸۰: ۱۱۵/۵). بر پایه برخی گزارش‌ها، نسبش به بهرون بن عمران می‌رسد. نخست یهودی بود و سپس به پیروان شریعت اسلام پیوست (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۵۵/۲). مدتی در خدمت اخشیدیان بود و سپس برای فرار از حسادت و خصومت ابن فرات، در سال ۳۵۷ ه.ق. مصر را ترک کرد (عمادزاده، ۱۳۷۰: ۴۸۸) و به دربار فاطمیان در مغرب رفت و به خدمت المعز درآمد. در سال ۳۶۷ ه.ق. امور دولت فاطمیان را بر عهده گرفت و در دوره خلافت العزیز، با لقب «وزیر الاجل» وزارت را به دست آورد (کاشانی، ۱۳۶۶: ۸۱). امور اداری حکومت فاطمیان را با عسلاج بن حسن اداره می‌کرد که به عنوان معاونش منصوب شده بود. ابن کلس سازمان‌های دولتی را در بخش‌های اداری، قضایی و تبلیغی ترسیم کرد و وزارت امور اداری را در ساختار طراحی شده بر عهده گرفت و امور قضایی به قاضی القضاة و امور تبلیغی به داعی الدعات واگذار شد. درآمدهای گسترده‌شان از مسیر تجارت و بازرگانی بود، و هزینه‌های بسیار امور عمومی و آثار مذهبی را سامان بخشید.

ابن کلس به دلیل شناخت جامعی که از مصر داشت، در تنظیم امور مالی (درآمدها و هزینه‌ها) کمک بسیار به دولت فاطمی کرد و پس از پذیرش مذهب اسماعیلی، نقش فراوانی در تثبیت و تقویت مذهب شیعه و گسترش مذهب اسماعیلی داشت (واکر، ۱۳۸۳: ۵۸). در میان مردم حاضر می‌شد و قوانین تشیع را برایشان می‌خواند (حسن، ۱۹۳۲: ۲۲۵). یعقوب بن کلس دانشمندی بلندپایه در علوم مختلف بود و در فقاهت هم به رتبه کمال رسید و رساله‌ای در باب فقه اسماعیلی به نام الرسالة الوزیریة بر پایه اقوال خلفای فاطمی، المعز و العزیز، تألیف کرد و مجالس الحکمة را برای اسماعیلیانی بر پا کرد که تازه به این

مذهب گرایش یافته بودند. وی از الأزهَر به عنوان دانشگاهی برای آموزش و گسترش مذهب بهره برد (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۱۶-۲۱۷).

### برجوان خواجه سفیدی

با مرگ یعقوب بن کلس، وزرای بسیاری، از مسلمان و مسیحی، به دربار فاطمیان راه یافتند؛ ولی دوران وزارتشان چند ماهه بود تا آنکه الحاکم، ابوالفتوح برجوان (متوفای ۳۹۰ ه.ق.) را که از صقالبه بود و در دربار العزیز پرورش یافته بود، در سال ۳۸۷ ه.ق. با لقب «عین الدوله» به عنوان وزیر خود منصوب کرد. او تا سال ۳۹۰ ه.ق. این منصب را بر عهده داشت (تأمر، ۱۹۸۰: ۷۹/۵).

پیش از وزارت برجوان، ابن عمار (رهبر گروه ترکان و فرمانده بربرها) برای مدت کوتاهی وزارت الحاکم را بر عهده داشت و با کسب لقب «امین الدعوة» بر تشکیلات فاطمیان تسلط یافته بود و قصد داشت قدرت را در دست گیرد. از این رو سوریه را اشغال کرد و افراد برجوان را که حامی الحاکم بودند دستگیر کرد (لوتیس و دیگران، ۱۳۶۳: ۱۹۱-۱۹۲). سیاست‌های ابن عمار در دوران وساطه، برجوان جاه طلب را به وحشت انداخت. از این رو او که می‌خواست عامل اصلی خلیفه باشد برای رسیدن به هدفش، همه تلاشش را به کار بست تا حمایت مشرقه (ترکان و غیر بربرها) را به دست آورد (سید، ۲۰۰۷: ۱۶۲). سپس با منگوتکین (حاکم دمشق) متحد شد و او را وادار کرد با سپاهیان‌ش به مصر حرکت کند؛ اما منگوتکین از ابن عمار شکست خورد. برجوان در گام بعدی، با جیشین صمصام متحد شد و به طرف مصر حرکت کردند. آنها توانستند ابن عمار را شکست دهند و مصر را از او بازپس گیرند (همدانی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸). برجوان پس از این پیروزی، قدرت را به الحاکم بازگرداند (واکر، ۱۳۸۳: ۶۰) و خود بر امور قصر مسلط شد؛ نخست منصب وساطه را به چنگ آورد و سپس به وزارت رسید.

برجوان در دوره صدارت، با کمک کاتبش، فهد بن ابراهیم مسیحی، با قدرت تمام حکمرانی کرد. وی موجب لشکریان منسوب به خود را افزایش داد. کاتبان قبطنی را در دیوان‌ها جانشین مغاربه (بخش اعظم سپاه فاطمی) کرد. الحاکم بامرالله، ششمین خلیفه فاطمی (۳۸۶-۴۱۲ ه.ق.) را از امور دور نگه داشت و قدرش را به کاخ محدود کرد (چلونگر، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۳). برجوان قدرت و نفوذش را افزایش داد و تمام توجهش را به آفریقای شمالی معطوف کرد. مردم بربر آفریقای شمالی، بیشتر به دلیل سقوط ابن‌عمار، تحت رهبری حاکمشان، منصور بن یوسف، شورش کردند و برجوان به سرکوبشان موفق شد (لوئیس و دیگران، ۱۳۶۳: ۱۹۲-۱۹۴). او با بربرهای شکست‌خورده با ملایمت رفتار کرد. حتی ابن‌عمار مجازات شده را بخشود (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲/۲۵).

در دوران وزارت او، چند انقلاب نیز رخ داد و در مغرب و شام شورش‌هایی به وجود آمد و بعضی از حکام و بزرگان محلی، علیه قاهره قیام کردند که برجوان به سرکوب قیام‌ها توفیق یافت و مناطق مختلفی را به تصرف خود درآورد و بعد به طرف برقه لشکر کشید و آشوب‌های آنجا را نیز سرکوب کرد و آرامش را به آن قلمرو بازگرداند و حکومت آنجا را به یانس الصقلبی داد (تأمر، ۱۹۸۰: ۳۲/۶-۳۳). او پس از توفیق‌هایش، تغییر روش داد و به دیکتاتوری روی آورد. از این‌رو خلیفه از او رنجید و به سبب نفرتی که از او بر اثر رفتار انضباطی سخت و شدیدش با خود داشت، وی را در سال ۳۹۰ ه.ق. به قتل رساند (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۱۷-۲۱۸).

### علی بن جرجرای

دربار فاطمیان بار دیگر پس از قتل حسین بن جوهر تا دوره وزارت الجرجرای، وزاری از شیعه، سنی و مسیحی به خود دید که اطلاعات چندانی از آنان گزارش نشده است. ابوالقاسم علی بن جرجرای، معروف به نجیب‌الدوله (متوفای ۴۳۶ ه.ق.) همراه برادرش

ابوعبدالله محمد بن احمد، از عراق به مصر رفت و در مناصب گوناگون کار کرد؛ وی بر اثر شکایات مردمی، در ربیع الآخر ۴۰۳ ه.ق. به دستور حاکم بامرالله زندانی شد و پس از مدت کوتاهی آزاد شد و دبیر سپهسالار گردید (واکر، ۱۳۸۳: ۵۸). در سال ۴۰۶ ه.ق. متصدی دیوان هزینه‌ها و در سال ۴۰۷ ه.ق. ملقب به «نجیب الدوله» شد. جرجایی در دوره خلافت الظاهر، به دلیل خردسال بودن خلیفه از سال ۴۱۸ تا ۴۳۶ ه.ق. وزارت الظاهر را بر عهده گرفت (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۳۱۷/۹) و به سرعت اوضاع مصر را سامان بخشید. وی با آسفتگی وضعیت شام، هفت هزار سپاهی را به سرداری امیر الجیوش منتجب الدوله انوشتکین تدارک دید و در ذی‌العقده ۴۱۹ ه.ق. برای سرکوبی حسن بن جراح و صالح بن مرداس (دو متحد ضد فاطمیان) روانه شام کرد (ابن صیرفی، ۱۴۲۹: ۳۶).

جرجایی پس از مرگ الظاهر، برای ابوتیم، فرزند هفت ساله الظاهر، ملقب به مستنصر بالله، از مردم بیعت گرفت و او را در ۱۷ شعبان ۴۲۷ ه.ق. بر تخت خلافت دولت فاطمیان نشان داد و خود وزارتش را بر عهده گرفت (سید، ۲۰۰۷: ۱۹۷). او مواجب سپاهیان را با پاداش خوبی پرداخت کرد تا از حمایتشان برخوردار شود (ابن خلدون، ۱۳۵۷: ۹۷/۳). در طول خلافت المستنصر، به مدت نه سال وزیر و صاحب قدرت سیاسی مصر بود و با کمک دیگر بزرگان مملکت، بدون شرکت خلیفه جوان حکومت می‌کرد (دفتری، ۱۳۸۶: ۳۳۴). وی در کتابت و نگارش مهارت خاصی داشت تا جایی که یک بار در حضور خلیفه الظاهر صد نامه نوشت (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۹۱/۲).

خلافت فاطمیان در دوره وزارت جرجایی در ثبات و پایداری بود؛ از یک سو نفوذ خلیفه فاطمیان در جنوب شام و از جهتی در یمن افزایش یافت و از سوی دیگر پیمان‌نامه‌ای به مدت سی سال بین فاطمیان و دولت بیزانس بسته شد و باعث پایداری خلافت المستنصر شد. جرجایی تا پایان عمر، وزیر مستنصر بالله بود و در رمضان ۴۳۶ ه.ق. بر اثر بیماری استسقا در مصر از دنیا رفت (همان، ۳۳۲/۲).

## بدر الجمالی

بدر ابوالنجم جمالی، ملقب به سید اجل و امیر الجیوش (متوفای ۴۸۸ ه.ق.) از وزرای قدرتمند فاطمیان بود که با دست یابی به قدرت، دوره تازه‌ای از وزارت نظامیان در دولت فاطمیان را رقم زد. بدر از اهالی ارمنستان و از موالی و پرورش یافته‌های دولت فاطمی بود. دربان امیر دمشق بود که امیر او را مردی کاردان یافت و امور بیرونی دربارش را به وی سپرد (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱۰/۳). در سال ۴۶۶ ه.ق. فرماندهی سپاهیان عکار داشت که به تقاضای خلیفه فاطمیان، با این شرط که سپاهیان را به همراه خود ببرد، به مصر آمد (لویس، ۱۳۶۲: ۱۸۱؛ دفتری، ۱۳۸۶: ۲۳۷) و با تسلط بر اوضاع، بر همه جنبه‌های حکومتی استیلا یافت و خود را وزیر خواند. خلیفه نیز او را پذیرفت و در همان آغاز به لقب «امیر الجیوش» معروف شد و این لقب را برای نخستین بار از آن خود کرد (معزی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). سرانجام، با اتکا به سپاهش، همه قدرت‌های دیکتاتور نظامی را به دست آورد و مناصب مهم دولت فاطمیان را کسب کرد (سیف آزاد، ۱۳۴۱: ۶۲). در دوره او، به هنگام خلافت المستنصر، معنای خاصی از نهاد وزارت شکل گرفت و الفاظ و القابی به وزیر اختصاص یافت (معزی، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۵۸).

قدرت وزرا از دوران بدر الجمالی گسترش یافت، آن گونه که به تدریج مقام خلیفه تحت الشعاع قرار گرفت. قدرت در دوره‌های پیش از او، میان وزیر، امیر الجیوش، داعی الدعات، قاضی القضاة و شخص خلیفه قسمت می‌شد؛ ولی بدر الجمالی همه این مناصب را در دست گرفت و پس از او به صورت موروثی به فرزندش، افضل الجمالی، رسید و سپس سایر وزرا به پیروی از بدر الجمالی، همه ارکان قدرت را در دست گرفتند (همان)، آن گونه که دخالت بسیار در انتخاب خلیفه داشتند و گاه همچون بدر الجمالی، خلفای خردسال را ترجیح می‌دادند تا با آسودگی به حاکمیت خود برسند. مصر در این دوره با قدرت خودمختاری وزرای نظامی اداره می‌شد و سازمان‌های نظامی، دینی و دیوانی همه تحت فرمان این وزرا بودند (آبربی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۲/۴).

بدر الجمالی شیوه حکمرانی فاطمیان را تغییر، و سامان داد. سازمان دعوت را گسترده کرد و نهاد وزارت را اهمیت بخشید. عملکردش در پیشرفت و اقتدار دولت فاطمی نقش بسزایی داشت؛ آن گونه که استمرار خلافت المستنصر مدیون وزارت بیست ساله بدر الجمالی است. او منازعات داخلی و بحران موجود میان سپاهیان دولت فاطمی را پایان داد؛ اوضاع اقتصادی مصر را اصلاح کرد؛ مالیات کشاورزان را برای مدت سه سال بخشود و اسباب امنیت تجارت را فراهم کرد و مالیات هایی را که پیش از او به جیب سرداران جنگ می رفت به دولت بازگرداند و نظارت بر هزینه ها را بر عهده دولت گذاشت و قیمت ها را پایین آورد؛ دیوار جدیدی پیرامون قاهره بنا کرد و سه دروازه، عمارت و بناهای بسیار ساخت و این گونه فرمانده واقعی مصر شد. در ۴۶۷ ه. ق. دوباره به نام فاطمیان خطبه خواند، در حالی که چند سال بود خطبه خوانی به نام آنان قطع شده بود. پس از تثبیت اوضاع داخلی مصر، با بهره گیری از اوضاع و احوال موجود میان سلجوقیان و عباسیان، متوجه حجاز شد و تلاش هایش را برای بازگرداندن سیادت فاطمیان بر حجاز به کار بست (خرابشه، ۱۳۸۵: ۳۶؛ واکر، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۷؛ سید، ۲۰۰۷: ۲۱۲).

بدر به اصلاح اوضاع مذهب اسماعیلی مشغول شد و کوشید شعائر شیعه اسماعیلی را احیا کند و اذان شیعی را با «حی علی خیر العمل» بازگرداند. وی اعلام کرد که بر مردگان فقط پنج بار تکبیر بخوانند. دروس مذهبی اسماعیلی را منظم، و با اهل سنت مقابله کرد. گروهی از علمایشان را کشت و امور قبطیان را منظم کرد (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۵؛ حسن، ۱۹۳۲: ۲۲۹). همچنین حمله اتسز به مصر را سرکوب کرد و به یادبود این پیروزی، مناره ها و مساجد فراوان در مناطق گوناگون ساخت (لوئیس و دیگران، ۱۳۶۳: ۲۱۱). به مذهب امامیه پای بند بود و برای گسترش آن اقدامات گسترده ای انجام داد. مناطقی را که امرا به نفع خود تصرف کرده بودند و اموالی را که سرداران از دستگاه خلافت برده بودند، پس گرفت (فضایی، ۱۳۷۴: ۵۹).

#### ۲.۴. نقش وزرا در فروپاشی خلافت

عوامل فراوانی برای فروپاشی دولت فاطمیان می‌توان برشمرد که نقش وزرای این دولت در بسیاری از آنها پُررنگ است. در ادامه، نقش وزرا در افول و فروپاشی این حکومت را بررسی می‌کنیم.

##### ۱.۲.۴. طمع در قدرت طلبی

قدرت طلبی وزرای فاطمی رامی‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل افول فاطمیان برشمرد؛ آن‌گونه که ایشان برای کسب قدرت، اختیارات خلفای فاطمی را محدود، و قدرت و جایگاهشان را در حد جایگاهی نمادین محصور کردند؛ سپس بر اساس مصالحی که خود تشخیص می‌دانند، تصمیم‌هایی می‌گرفتند که منافع حکومت فاطمی را تأمین نمی‌کرد؛ از جمله منازعات فرسایشی با حکومت‌های اطراف و فقدان تدبیر مناسب در مواجهه با شورش‌های قبایل بربر، خوارج، عرب‌ها، ترکان، سودانی‌ها، ارمنی‌ها و برخی مخالفان سیاسی (چلونگر، ۱۳۹۵: ۴۱۸). همچنین، اختلاف وزرا، به‌ویژه در دوران الظافر بالله، سیزدهمین خلیفه فاطمی، و الفائز بالله، چهاردهمین خلیفه فاطمی، که به قتل وزرا و حتی خلیفه الظافر انجامید، سبب تضعیف حکومت فاطمیان شد (ابن‌تعمری، ۱۹۳۵: ۳۷۵).

##### ۲.۲.۴. اقدامات تفرقه‌افکنانه

قدرت‌یابی وزرای فاطمی و به تبع آن تصمیم‌گیری‌های منفعت‌طلبانه و کردار جانبدارانه‌شان نقش بسیار در فروپاشی دولت فاطمیان داشت. وزرای جاه‌طلب دولت فاطمی بارها برای تثبیت قدرت خود و افزایش دایره اختیاراتشان، در انتخاب خلفا دخالت کرده و غالباً فرزندان کوچک خلفای فاطمی را بر تخت می‌نشانند که این سبب درگیری و گاه مایه تفرقه میان فاطمیان و جداسدن انشعابی از بدنه فاطمیان می‌شد، که از جمله می‌توان به حمایت افضل الجمالی از مستعلی در برابر نزار پس از مرگ المستنصر اشاره کرد که به پیدایش جریان نزاریان



ایران به سرکردگی حسن صباح انجامید. نیز می‌توان از ظهور جریان طیبیان نام برد که بر اساس نفی طیب، فرزند الامر باحکام الله، دهمین خلیفه فاطمی (۴۹۵-۵۲۴ ه.ق.) و انتقال خلافت به عبدالمجید پسرعموی امر (الحافظ بامرالله، یازدهمین خلیفه فاطمی، ۵۲۴-۵۴۴ ه.ق.) پدید آمدند (نک: ابن تغری، ۱۹۳۵: ۱۷۰/۵-۱۷۵ و ۲۳۷). همه این انشعاب‌ها سبب شد در مقاطع گوناگون تاریخ فاطمیان، شمار بسیاری از پیروانشان از آنان جدا شوند و رهبری مذهبی و سیاسی ایشان را به کلی انکار کنند؛ امری که در نهایت به قطع حمایت جمعیت بسیاری از اسماعیلیان از فاطمیان منجر شد.

#### ۳.۲.۴. پای بند نبودن به مذهب اسماعیلی

گرایش‌های غیر اسماعیلی و وزرای دولت فاطمی یکی از عوامل فروپاشی حکومت فاطمیان بود، زیرا علی‌رغم اینکه هدف اصلی تشکیل حکومت فاطمیان، دعوت به مذهب اسماعیلی بود، هیچ‌گاه نتوانستند مذهب تشیع اسماعیلی را به مذهب عامه مردم افریقیه و مصر تبدیل کنند که قلمرو اصلی حکومتشان بود. از این رو فاطمیان در میان مردم خود از پشتوانه مذهبی برخوردار نبودند. در حقیقت، آنان در رواج تشیع فاطمی در این مناطق با ناکامی روبه‌رو شدند، زیرا بلافاصله پس از پایان حکومتشان، بدون هیچ واکنش خاصی، مذهب تسنن جایگزین مذهب اسماعیلی شد و نفوذ و اعتبار یافت. بسیاری از این ناکامی‌ها به گرایش‌های مذهبی وزرای فاطمی باز می‌گشت که از مذاهب غیر اسماعیلی و زمانی غیرمسلمان بودند (ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۱۲۶) و حتی گاه در جهت تضعیف این مذهب گام‌هایی برداشتند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲۴۶/۲). مثلاً ابوعلی احمد بن افضل، وزیر منصوب الحافظ لدین الله، پس از انتصاب به وزارت، مذهب اثناعشری را به عنوان مذهب رسمی دولت اعلام کرد و حافظ، خلیفه فاطمی را به زندان انداخت (کاشانی، ۱۳۶۶: ۱۲۲) و حکومت امام دوازدهم شیعه را اعلام کرد (دفتری، ۱۳۷۸: ۱۵۰). او در گسترش مذهب امامی می‌کوشید. از این رو پایان سلسله فاطمیان را اعلام

کرد و در مسیر تضعیف مذهب اسماعیلی در مصر و گسترش مذهب امامیه قدم‌هایی برداشت (چلونگر، ۱۳۹۵: ۱۲۵-۱۲۶).

صلاح‌الدین ایوبی آخرین و از نام‌آورترین وزرای فاطمیان است که اصلاحات ضد شیعی را در دولت فاطمیان آغاز کرد و تافروپاشی و سقوط دولت فاطمیان پیش رفت و در نهایت انقراض فاطمیان را اعلان کرد و به نام خلفای راشدین و خلیفه عباسی خطبه خواند. در ۵۶۵ ه. ق. فخره «حی علی خیر العمل» را از اذان حذف، و قاضیان اسماعیلی مذهب را خلع کرد و طرفداران فاطمیان، همانند عماره یمنی (شاعر معروف) که قصد احیای مجدد دولت فاطمی را داشتند، از دم تیغ گذراند (ابن تغری، ۱۹۳۵: ۷۰/۶-۷۱).

صلاح‌الدین پس از غلبه بر فاطمیان و سرکوب مخالفان پیرو دولت فاطمی و تثبیت اوضاع سیاسی، با سیاست فرهنگی جدید، آثار تشیع را نابود کرد. کتاب خانه بزرگ فاطمیان را آتش زد و روز عاشورا را که در مصر به عنوان روز حزن و اندوه شناخته می‌شد، به روز سرور و شادمانی تبدیل کرد (ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۲۵). خانه المعز را به مدرسه‌ای برای شافعیان، بخشی از قصر فاطمی را به بیمارستان و خانه مأمون بطائحی (وزیر فاطمی) را با نام «سیوفیه» به مدرسه‌ای برای حنفی‌ها تبدیل کرد (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲/۳۶۵ و ۴۱۵). او علاوه بر ساخت مدارس و مراکز فرهنگی فراوان برای ترویج مذهب شافعی، به مبارزه با تشیع مشغول شد؛ عالمان سنی مذهب را به مراکز شیعه می‌فرستاد تا علیه اعتقادات شیعه تبلیغ کنند (بدوی، ۱۴۰۸: ۲۵۵).

## نتیجه

حکومت فاطمیان در مغرب، تشکیلات سیاسی اداری ساده‌ای داشتند و خلیفه در رأس امور حکومت بود. پس از انتقال دولت به مصر، ساختار تشکیلاتی حکومت تغییر کرد و وزرا به صحنه قدرت وارد شدند و به تدریج قدرت واقعی دولت، از خلیفه به وزرا منتقل شد و فراز و فرودهای حکومت اسماعیلی فاطمیان آغاز شد. ابتدا وزرای تنفیذ عهده‌دار جایگاه وزارت

شدند و با وجود آنکه استقلال چندانی در قدرت نداشتند و اوامر خلفا را اجرامی کردند، خدمات بسیار در مسیر گسترش قلمرو فاطمی و ساخت شهرهایی همچون قاهره انجام دادند. سپس وزرای تفویض با رأی خلیفه یا اجبار بر مسند قدرت نشستند و قدرت مطلق را به دست گرفتند. برخی از این وزرا همچون جوهر صقلی، برجوان، جرجایی و بدر الجمالی در تثبیت حکومت فاطمیان و گسترش قلمرو دولت کوشیدند و بعضی همچون یعقوب بن کلس و بدر الجمالی در مسیر سامان دهی ساختار اداری دولت فاطمیان و تثبیت و تقویت مذهب اسماعیلیه تلاش فراوان به خرج دادند و این گونه حکومت فاطمیان به اوج قدرت و نفوذ خود رسید و نامش را به عنوان یکی از دولت های مهم سیاسی، مذهبی و فرهنگی در تاریخ اسلام، به ویژه تشیع، ثبت کرد.

زمان نه چندان طولانی از این درخشش و فراز نگذشته بود که طمع وزرا در قدرت، اقدامات تفرقه افکنانه شان و پای بند نبودن به مذهب اسماعیلی پایه های این حکومت قدرتمند را لرزاند و روبرو به سستی گذاشت. جنگ قدرت وزرا بر سر انتخاب خلفا به تفرقه انجامید و پشت حکومت فاطمی را خالی کرد؛ رقابت بر سر کسب وزارت، به سوء تدبیر در برابر شورش های محلی قبایل بربر، خوارج و... و منازعات خارجی انجامید که مایه فرسایشی شدن جنگ ها و کاسته شدن از توان دولت شد.

پای بند نبودن برخی وزرای فاطمی سبب سیاست زدگی این دولت شد؛ آن گونه که وزرایی همچون احمد بن افضل در مسیر تضعیف مذهب اسماعیلی قدم گذاشتند و در نهایت صلاح الدین ایوبی به میدان وزارت دولت فاطمیان راه یافت و اصلاحات ضد شیعی تا فروپاشی کامل و سقوط دولت فاطمیان پیش رفت و رسماً به نام خلیفه عباسی خطبه خواند و با ترویج مذهب شافعی، به جنگ تشیع آمد و آثار شیعه را در قلمرویی نابود کرد که روزگاری صدای اذان شیعی از مأذنه ها شنیده می شد و خلفای شیعی فاطمی و وزرای قدرتمندشان بر پایه مبانی شیعی فاطمی بر آن حکم می رانند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. سلسله‌ای ترک‌تبار که در سال‌های ۳۲۳-۳۵۸ ه.ق. بر مصر و شام فرمان می‌راندند.



## منابع

- آربری، آرتور جان؛ و دیگران (۱۳۹۰). تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه: احمد آرام، تهران: امیرکبیر.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۲). تاریخ کامل، تهران: اساطیر.
- ابن تغری بردی، جمال الدین (۱۹۳۵). النجوم الازهر فی ملوک مصر و قاهره، قاهره: مطبعة دار الکتب المصرية.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۷). العبر، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۳). مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن صیرفی، علی بن منجب (۱۴۲۹). الاشارة الی من نال الوزارة، تحقیق: عبدالله مخلص، بی‌جا: مطبعة المحمد العلی الفرنسي.
- بدوی، عبد المجید ابوالفتوح (۱۴۰۸). التاريخ السياسی والفکری للمذهب السنی فی المشرق الاسلامی من القرن الخامس الهجری حتی سقوط بغداد، قاهره: دار الوفاء.
- تأمر، عارف (۱۳۷۷). اسماعیلیه و قرامطه، ترجمه: حمیرا زمردی، تهران: جامی.
- تأمر، عارف (۱۹۸۰). الموسوعة التاريخية للخلفاء الفاطميين، قاهره: دار الجيل.
- چلونگر، محمد علی (۱۳۹۰). تاریخ فاطمیان و حمدانیان، تهران: سمت.
- چلونگر، محمد علی (۱۳۹۵). دولت‌های شیعی در تاریخ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله (۱۳۷۵). جغرافیای حافظ ابرو، تصحیح: صادق سجادی، تهران: بنیان.
- حسن، ابراهیم حسن (۱۹۳۲). الفاطميون فی المصر، قاهره: الاميرية.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام، تهران: پیام نور.
- خرابشه، سلیمان (۱۳۸۵). رقابت عباسیان و فاطمیان در سیادت بر حرمین شریفین، ترجمه: رسول جعفریان، تهران: مشعر.

- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۵۵). دستور الوزراء، تصحیح: سعید نفیسی، تهران: علمی و فرهنگی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰). حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، تصحیح: جلال‌الدین همایی، تهران: علمی و فرهنگی.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۸). مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فروزان.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶). تاریخ عقاید اسماعیلیه، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فروزان.
- رشاد، محمد (۱۳۷۳). جنگ‌های صلیبی، تهران: اندیشه.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۹). تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه: علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- سید، ایمن فؤاد (۲۰۰۷). الدولة الفاطمية فی مصر، قاهره: آثار اشرفیه.
- سیف‌آزاد، عبدالرحمن (۱۳۴۱). خلفای فاطمی، تهران: اداره مجله ایران باستان.
- سنه‌اجی، ابن عبدالله محمد (۱۳۷۸). اخبار ملوک بنی عبدالله و سیرتهم، ترجمه: حجت‌الله جودکی، تهران: امیرکبیر.
- عمادزاده، حسین (۱۳۷۰). تاریخ مفصل اسلام، تهران: اسلام.
- فضایی، یوسف (۱۳۷۴). مذهب اسماعیلی و نهضت حسن صباح، تهران: عطایی.
- قاضی نعمان (۱۴۱۶). افتتاح الدعوة، تحقیق: فرحات الدشراوی، تونس: مدرسة الاعلمی للمطبوعات الجامعية.
- قره‌چانلو، حسین (۱۳۸۰). جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: سمت.
- کاشانی، علی بن محمد ابوالقاسم (۱۳۶۶). زبدة التواریخ، تصحیح: محمد تقی دانش‌پژوه، تهران: علمی و فرهنگی.
- کراچگوفسکی، ایگناتی یولیوویچ (۱۳۷۹). تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوئیس، برنارد (۱۳۶۲). بنیادهای کیش اسماعیلی، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: ویسمن.
- لوئیس، برنارد؛ و دیگران (۱۳۶۳). اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نی.

- معزی، مریم (۱۳۹۰). تاریخ حمدانیان و فاطمیان، تهران: سمت.
- مقریزی، تقی‌الدین (۱۴۱۶). اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمین الخلفاء، تحقیق: محمد حلمی، قاهره: دار التراث الاسلامی.
- مناوی، محمد حمدی (۱۱۱۹). الوزارة والوزراء فی العصر الفاطمی، قاهره: دار المعارف.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۹). فاطمیان در مصر، قم: حوزه و دانشگاه.
- واکر، پل ارنست (۱۳۸۳). پژوهش‌های در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فروزان.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۱). جامع التواریخ اسماعیلیان و فاطمیان، تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: علمی و فرهنگی.

## References

- Arberry, Arthur John; et al. 2011. Tarikh Islam (History of Islam), Translated by Ahmad Aram, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Badwi, Abd al-Majid Abu al-Fotuh. 1987. Al-Tarikh al-Siyasi wa al-Fekri le al-Mazhab al-Sonni fi al-Mashregh al-Eslami men al-Gharn al-Khames al-Hejri Hatta Soghut Baghdad (The Political and Intellectual History of the Sunni Sect in the Islamic East from the Fifth Century A.H. until the Fall of Baghdad), Cairo: Al-Wafa Institute. [in Arabic]
- Chelunger, Mohammad Ali. 2011. Tarikh Fatemiyan wa Hamdaniyan (History of Fatimian and Hamdanian), Tehran: Samt. [in Farsi]
- Chelunger, Mohammad Ali. 2016. Dolat-hay Shii dar Tarikh (Shia Governments in History), Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 1999. Mokhtasari dar Tarikh Ismailiyyeh (Concise History of the Ismailis), Translated by Fereydun Badreyi, Tehran: Foruzan. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2007. Tarikh wa Aghaed Ismailiyyeh (Ismaili History and Beliefs), Translated by Fereydun Badreyi, Tehran: Foruzan. [in Farsi]
- Emadzadeh, Hoseyn. 1991. Tarikh Mofassal Islam (Detailed History of Islam), Tehran: Islam. [in Farsi]
- Fazayi, Yusof. 1995. Mazhab Ismaili wa Nehzat Hasan Sabbah (Ismaili Religion and Hasan Sabbah Movement), Tehran: Atayi. [in Farsi]

- Gharehchanlu, Hoseyn. 2001. Joghrafiyay Tarikhi Keshwar-hay Islami (Historical Geography of Islamic Countries), Tehran: Samt. [in Farsi]
- Ghazi Noman. 1995. Eftetaḥ al-Dawah (The Opening of the Invitation), Researched by Farhat al-Deshrawi, Tunisia: Al-Alamy School for University Publications. [in Arabic]
- Hafez Abru, Shahab al-Din Abdollah. 1996. Joghrafiyay Hafez Abru (Geography of Hafez Abru), Edited by Sadegh Sajjadi, Tehran: Foundation. [in Farsi]
- Halabi, Ali Asghar. 2011. Tarikh Andisheh-hay Siyasi dar Iran wa Islam (History of Political Ideas in Iran and Islam), Tehran: Message of Light. [in Farsi]
- Hamedani, Rashid al-Din Fazlollah. 2002. Jame al-Tawarikh Ismailiyan wa Fatemiyan (Ismaili and Fatimian Histories), Edited by Mohammad Taghi Daneshpajuh, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Hasan, Ibrahim Hasan. 1932. Al-Fatemiyan fi al-Mesr (The Fatimids in Egypt), Cairo: Al-Amiriyah. [in Arabic]
- Ibn Athir, Ezz al-Din. 2003. Al-Kamel fi al-Tarikh (The Completion of History), Tehran: Mythology. [in Arabic]
- Ibn Khaldun, Abd al-Rahman. 1978. Al-Ebar (Lessons), Translated by Abd al-Mohammad Ayati, Tehran: Humanities Research Institute. [in Arabic]
- Ibn Khaldun, Abd al-Rahman. 2004. Moghaddameh (Introduction), Translated by Mohammad Parwin Gonabadi, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Ibn Seyrafi, Ali ibn Monjab. 2008. Al-Esharah ela Man Nala al-Wezarah (Reference to Who Obtained the Ministry), Researched by Abdollah Mokhles, n.p: Mohammad Ali French Press. [in Arabic]
- Ibn Tagharri Bardi, Jamal al-Din. 1935. Al-Nojum al-Azhar fi Moluk Mesr wa Ghaherah (Azhar Stars in the Kingdom of Egypt and Cairo), Cairo: Egyptian Book House Press. [in Arabic]
- Kashani, Ali ibn Mohammad Abu al-Ghasem. 1987. Zobdah al-Tawarikh (An Anthology of History), Edited by Mohammad Taghi Daneshpajuh, Tehran: Scientific and Cultural. [in Arabic]
- Khandemir, Ghiyath al-Din ibn Homam al-Din. 1976. Doṣtur al-Wozara (The Constitution of the Ministers), Edited by Said Nafisi, Tehran: Scientific and Cultural. [in Arabic]
- Khandemir, Ghiyath al-Din ibn Homam al-Din. 2001. Tarikh Habib al-Seyr fi Akhbar Afrad Bashar, Edited by Jalal al-Din Homayi, Tehran: Scientific and Cultural. [in Arabic]
- Kharabshah, Soleyman. 2006. Reghabat Abbasiyan wa Fatemiyan dar Siyadat bar Har-

amyn Sharifayn (Abbasid and Fatimid Rivalry in the Sovereignty over the Two Holy Shrines), Translated by Rasul Jafariyan, Tehran: Mashar. [in Farsi]

- Krachkovskii, Ignatii Iulianovich. 2000. Tarikh Neweshteh-hay Joghrafiyayi dar Jahan Islam (History of Geographical Literature in Islamic World), Translated by Abu al-Ghasem Payandeh, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Lewis, Bernard. 1983. Bonyad-hay Kish Ismaili (Foundations of Ismailism), Translated by Abolghasem Serri, Tehran: Wiseman. [in Farsi]
- Lewis, Bernard; et al. 1984. Ismailiyan dar Tarikh (Ismailis in History), Translated by Yaghub Ajand, Tehran: Ney. [in Farsi]
- Manawi, Mohammad Hamdi. 1707. Al-Wezarah wa al-Wozara fi al-Asr al-Fatemi (Ministry and Ministers in the Fatimid Era), Cairo: Knowledge House. [in Arabic]
- Meghrizi, Taghi al-Din. 1995. Etteaz al-Honafa be Akhbar al-Aemah al-Fatemiyyin al-Kholafa, Researched by Mohammad Helmi, Cairo: Islamic Heritage House. [in Arabic]
- Moezzi, Maryam. 2011. Tarikh Hamdaniyan wa Fatemiyan (History of Hamdanians and Fatimids), Tehran: Samt. [in Farsi]
- Naseri Taheri, Abdollah. 2000. Fatemiyan dar Mesr (Fatimids in Egypt), Qom: Seminary and University. [in Farsi]
- Rashad, Mohammad. 1994. Jang-hay Salibi (The Crusades), Tehran: Thought. [in Farsi]
- Sanhaji, Ibn Abdollah Mohammad. 1999. Akhbar Moluk Bani Obaydollah wa Siratehem (News of the Kings of Bani Obaydollah and Their Biography), Translated by Hojjatollah Judaki, Tehran: amirkabir. [in Arabic]
- Seyf Azad, Abd al-Rahman. 1962. Kholafay Fatemi (Fatimid Caliphs), Tehran: Ancient Iran Magazine Department. [in Farsi]
- Seyyed, Amin Foad. 2007. Al-Dawlah al-Fatemiyyah fi Mesr (Fatimid State in Egypt), Cairo: Ashrafieh Works. [in Arabic]
- Tamor, Aref. 1980. Al-Mawsuah al-Tarikhiah le al-Kholafa al-Fatemiyyin (The Historical Encyclopedia of the Fatimid Caliphs), Cairo: Al-Jayl House. [in Arabic]
- Tamor, Aref. 1998. Esmaliyeh wa Gharamateh (Ismailis and Qarmatians), Translated by Homayra Zomorodi, Tehran: Jami. [in Farsi]
- Walker, Paul Ernest. 2004. Pajuhesh dar Yeki az Emperaturi-hay Islami (Exploring on Islamic Empire), Translated by Fereydun Badreyi, Tehran: Foruza. [in Farsi]
- Zeydan, Jorji. 2010. Tarikh Tamaddon Islami (History of Islamic Civilization), Translated by Ali Jawaher Kalam, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]